

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد M.A

رشته: مشاوره

عنوان:

**اثر بخشی آموزش مهارت های حل مساله بر کاهش بحران هویت و
افزایش عزت نفس دانش آموزان دوره راهنمایی شهر داراب**

استاد راهنما:

دکتر ژاله رفاهی

استاد مشاور:

دکتر سهیلا جاهدی

نگارش:

بزرگمهر گلشن

زمستان ۹۰



صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

نام و نام خانوادگی دانشجو: بزرگمهر گلشن در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۶ رشته: مشاوره

از پایان نامه خود با عنوان:

اثر بخشی آموزش مهارت های حل مساله بر کاهش بحران هویت و افزایش عزت
نفس دانش آموزان دوره راهنمایی شهر داراب

با درجه بسیار خوب و نمره ۱۷/۵ دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضاء هیأت داوری سمت امضاء اعضاء هیأت داوری

۱- دکتر ژاله رفاهی

استاد راهنما

۲- دکتر سهیلا جاهدی

استاد مشاور

۳- دکتر سیروس سروقد

استاد داور

۴- دکتر لادن معین

استاد داور

مراتب فوق مورد تأیید است.

مدیر/معاونت پژوهشی

مهر و امضاء

تقدیم

این پایان نامه را تقدیم می‌کنم

به سرکار خانم دکتر ژاله رفاهی

از ایشان به دلیل یاری ماورایمانی های بی‌شمه اشتمان که بسیاری از سختی‌ها را بر ایمن آسانتر نمودند، و چیزی صد بار فراتر از یک پایان نامه زحمت

برایشان در برداشت، نهایت تشکر را دارم.

سپاسگزاری

سپاس خدای را عز وجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت بدینوسیله از استادان گرامیم سرکار خانم دکتر ژاله رفاهی و سرکار خانم سهیلا جاهدی بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنمایی های ایشان اتمام واکمال این پایان نامه بسیار مشکل می نمود، و یا شاید نا ممکن. همچنین از جناب آقای دکتر سروقد و سرکار خانم معین کمال تشکر و قدردانی را دارم و به ویژه سرکار خانم دکتر زهرا خدادای به دلیل یاری ها و راهنمایی های بی چشمداشت ایشان که بسیاری از سختی ها را برایم آسان تر نمودند، نهایت تشکر را دارم.

و در پایان از همسرم جهت حمایت بیدریغ ایشان جهت پیشبرد این پایان نامه سپاسگزارم.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اثر بخشی آموزش مهارت های حل مساله بر کاهش بحران هویت و افزایش عزت نفس دانش آموزان دوره راهنمایی شهر داراب می باشد. در این تحقیق که از نوع آزمایشی است تعداد ۶۰ نفر به طور نمونه گیری خوشه ایی و هدفمند از بین کل دانش آموزان برگزیده شدند و سپس به طور جای دهی تصادفی ۳۰ نفر به عنوان گروه آزمایشی و ۳۰ نفر به عنوان گروه کنترل انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. گروه آزمایش هشت جلسه مهارت های حل مساله در عرض هشت هفته دریافت نمودند داده ها بر اساس تحلیل کوواریانس یکراهه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از تاثیر آموزش مهارت های حل مساله بر کاهش بحران هویت و افزایش عزت نفس دانش آموزان بود ($P < 0/001$).

کلید واژه ها: مهارت های حل مساله، بحران هویت، عزت نفس

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول کلیات پژوهش
۲	مقدمه
۵	بیان مساله
۹	اهمیت و ضرورت مسأله
۱۲	اهداف تحقیق
۱۲	فرضیه های تحقیق
۱۳	تعاریف متغیرها و اصلاحات
۱۶	فصل دوم ادبیات و پیشینه پژوهش
۱۷	مقدمه
۱۷	تعریف عزت نفس
۱۹	عزت نفس، نیاز اساسی انسان
۲۰	ویژگی های شاخص افراد با عزت نفس بالا
۲۱	ویژگی افراد با عزت نفس پایین
۲۲	اثر عزت نفس بر رفتار
۲۲	تعاریف عزت نفس از دیدگاه دانشمندان
۲۴	جنبه های مهم رشد شخصیت و شکل گیری عزت نفس
۲۵	عوامل شکل دهنده عزت نفس
۲۵	مفهوم خود و عزت نفس
۲۶	نیاز فرد به احترام
۲۷	عزت نفس، خودپنداره و اعتماد به نفس

۲۷	نیازهای انسانی و عزت نفس
۲۸	تعریف هویت
۳۵	اقسام هویت
۳۹	کاربردهای واژه هویت
۴۳	چگونگی شکل گیری هویت
۴۵	رابطه رشد شناختی با هویت
۴۸	نقش عوامل اجتماعی در شکل گیری هویت
۴۹	رابطه رشد عاطفی و هویت
۵۰	معنای جامعه شناختی هویت
۵۱	دیدگاه‌های نظری در مورد هویت
۵۵	علل بالا بودن میزان بحران زدگی و کاهش هویت یافتگی
۵۶	مهارت حل مسأله
۵۸	تعاریف مسأله
۶۰	تعاریف حل مسأله
۶۲	جهت‌یابی حل مسأله
۶۳	ویژگی‌های حل مسأله
۶۵	مراحل حل مسأله
۷۰	درمان گروهی حل مسأله
۷۲	تحول حل مسأله در اوایل کودکی
۷۴	روانشناسی اعصاب حل مسأله
۷۷	حل مسأله در خبرگان در مقایسه با تازه‌کاران
۷۷	کاربردهای حل مسأله در آموزش و درمان

۷۸	حل مسأله در رویکرد و دیدگاه‌های مختلف
۹۰	پیشینه تحقیق
۱۰۱	جمع بندی
۱۰۳	فصل سوم روش شناسی پژوهش
۱۰۴	مقدمه
۱۰۴	طرح پژوهش
۱۰۵	جامعه آماری
۱۰۵	نمونه و شیوه نمونه گیری
۱۰۵	مشخصات جمعیت شناختی گروه نمونه
۱۰۶	ابزار اندازه گیری داده ها
۱۰۸	روش اجرای پژوهش
۱۰۹	ملاحظات اخلاقی
۱۱۰	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۱۱۰	فصل چهارم یافته های پژوهش
۱۱۲	مقدمه
۱۱۲	آمار توصیفی
۱۱۴	آمار استنباطی
۱۲۵	فصل پنجم بحث و نتیجه گیری
۱۲۶	خلاصه پژوهش
۱۲۶	بحث و نتیجه گیری
۱۳۶	دستاوردهای اصلی پژوهش
۱۳۷	اعتبار پژوهش

۱۳۸	محدودیت‌های پژوهش
۱۳۸	پیشنهادات پژوهش
۱۴۰	پیوست‌ها
۱۴۱	پیوست ۱ دستور العمل جلسات راهبرد های حل مساله
۱۴۷	پیوست ۲ پرسشنامه بحران هویت
۱۵۱	پیوست ۳ پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت
۱۵۹	منابع

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۰۴	جدول ۳-۱- دیاگرام طرح پژوهش
۱۰۵	جدول ۳-۲- ویژگی های جمعیت شناختی بتفکیک جنسیت
۱۰۶	جدول ۳-۳- ویژگی های جمعیت شناختی بتفکیک سطح تحصیلات
۱۰۹	جدول ۳-۴- عناوین جلسات آموزشی مهارت های حل مساله
۱۱۲	جدول ۴-۱- مقایسه شاخص های آماری پیش آزمون و پس آزمون عزت نفس نوجوانان در دو گروه کنترل و آزمایش
۱۱۳	جدول ۴-۲- مقایسه شاخص های آماری پیش آزمون و پس آزمون بحران هویت نوجوانان در دو گروه کنترل و آزمایش
۱۱۵	جدول ۴-۳- مقایسه شاخص های آماری پیش آزمون و پس آزمون عزت نفس نوجوانان در دو گروه کنترل و آزمایش
۱۱۵	جدول ۴-۴- آزمون لوین عزت نفس نوجوانان
۱۱۶	جدول ۴-۵- آزمون تحلیل کواریانس عزت نفس نوجوانان در دو گروه کنترل و آزمایش
۱۱۶	جدول ۴-۶- مقایسه شاخص های آماری پیش آزمون و پس آزمون عزت نفس نوجوانان پسر و دختر در دو گروه کنترل و آزمایش
۱۱۸	جدول ۴-۷- آزمون لوین عزت نفس نوجوانان پسر و دختر
۱۱۹	جدول ۴-۸- آزمون تحلیل کواریانس عزت نفس نوجوانان پسر و دختر در دو گروه کنترل و آزمایش
۱۲۰	جدول ۴-۹- مقایسه شاخص های آماری پیش آزمون و پس آزمون بحران هویت نوجوانان در دو گروه کنترل و آزمایش
۱۲۱	جدول ۴-۱۰- آزمون لوین بحران هویت نوجوانان

- ۱۲۲ جدول ۴-۱۱- آزمون تحلیل کواریانس بحران هویت نوجوانان در دو گروه کنترل و آزمایش
- ۱۲۳ جدول ۴-۱۲- مقایسه شاخص‌های آماری پیش آزمون و پس آزمون بحران هویت نوجوانان پسر و دختر در دو گروه کنترل و آزمایش
- ۱۲۴ جدول ۴-۱۳- آزمون لوین بحران هویت نوجوانان پسر و دختر
- ۱۲۵ جدول ۴-۱۴- آزمون تحلیل کواریانس بحران هویت نوجوانان پسر و دختر در دو گروه کنترل و آزمایش

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۱۱۴	نمودار ۱-۴- مقایسه متوسط پیش آزمون و پس آزمون عزت نفس نوجوانان در دو گروه کنترل و آزمایش
۱۱۴	نمودار ۲-۴- مقایسه متوسط پیش آزمون و پس آزمون بحران هویت نوجوانان در دو گروه کنترل و آزمایش

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

خانواده یک نهاد اجتماعی است و هیچ نهادی در تاریخ و فرهنگ و تمدن به اندازه آن قدمت ندارد. خانواده سنگ بنای جامعه بزرگ انسانی است و در استواری روابط اجتماعی و رشد و تعالی یکایک اعضای جامعه نقش بنیادین دارد تلاش در جهت استحکام خانواده، ارج نهادن به ارزش‌های پایه‌دار زندگی مشترک در خانواده و روابط درون این نهاد اجتماعی، زمینه را برای سلامت اخلاقی و سلامت عمومی مردم یک جامعه فراهم می‌کند. خانواده هم چون صدفی است که اگر پایه آن سنجیده و درست نباشد هرگز مرواریدی نخواهد پرورید. خانواده تنها در تامین و رفع نیازهای مادی، اقتصادی، تداوم نسل نیست بلکه کانونی جهت حس مشارکت و تفاهم برای وسعت نگرش و امکان دستیابی به فرصت‌های بیشتر است (سوسا، رایبریو و رادریگوس^۱، ۲۰۰۷).

یکی از مهم‌ترین وظایفی که در خانواده نقش بسیار مهمی دارد توجه به فرزندان مخصوصاً جوانان می‌باشد. اگر هویت^۲ شخصیتی نوجوان در طی زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد اجتماعی شکل بگیرد و نوجوان بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی وی تضمین می‌شود ولی اگر سرخوردگی و عدم اعتماد جایگزین اعتماد گردد و نوجوان به جای تماس با مردم گوشه‌گیر و منزوی شود و به جای تحرک به رکود گراید و به جای خودآگاهی و تشکیل هویت مثبت، دچار ابهام در نقش خود شود هماهنگی و تعادل روانی وی به هم می‌خورد و دچار بحران هویت^۳ می‌شود (لورد وهال^۴، ۲۰۰۷).

1-Sosusa ,Ribeiro & Rodirgues I

2-identity

3 -Crisis identity

4 - Lord & Hall

تحول بلوغ، تصویر ذهنی از بدن و هویت شخصی نوجوانان را دگرگون می‌کند. نوجوان با در نظر گرفتن تجربیان گذشته و برخورد با تحولات بلوغ می‌خواهد هویت خویش را از نو بازسازی کند مخالفت و ستیز جوانان با والدین خود و عصیان آنان در برابر ارزش‌ها و قدرتها و دخالت‌های دیگران برای تثبیت هویت و جدا نمودن خویش از سایرین است. (احمدی، ۱۳۸۰).

سالهای نوجوانی مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و فردی به شمار می‌رود. در این دوره نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی به خصوص تعادل بین عواطف و عقل، درک ارزش وجودی خویشتن خودآگاهی با انتخاب هدف‌های واقعی در زندگی، استقلال عاطفی از خانواده، حفظ تعادل روانی و عاطفی خویش در مقابل عوامل فشارزای زندگی و محیطی و برقراری روابط سالم با دیگران، کسب مهارت‌های لازم در مقابله با مسائل زندگی، شناخت زندگی سالم و موثر و چگونگی برخورداری از آن از مهم‌ترین نیازهای نوجوان می‌باشد. در زندگی روزمره اصطلاح حل مسأله^۱، برای تلاش در راستای مقابله با موقعیت‌های نادری که نیازمند مهارت‌های غیر معمول است استفاده می‌شود. لیکن روان‌شناسان شناختی این اصطلاح را در معنایی وسیع‌تر و به عنوان بخشی از کنترل اعمال روزانه انسان مطرح می‌کنند (آنتریانر و اوون^۲، ۲۰۰۶، به نقل از خوشکام، ۱۳۸۷).

آموزش حل مسأله در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ به عنوان بخشی از روند رفتار درمانی شناختی در زمینه اصلاح رفتار مورد استفاده قرار گرفت. این رویکرد برای همه سنین اعم از کودکی، نوجوانی و بزرگسالی به کار می‌رود. (دابسون^۳، ۲۰۰۱) استفاده از این رویکرد برای افرادی که منابع مقابله‌ای ضعیف دارند توصیه شده است. از رویکرد حل مسأله نیز برای مقابله با معلولیت‌های ناشی از بیماری‌های جسمی به نحوی کارآمد استفاده می‌شود (هاوتون و سالکوس کیس^۴، ترجمه قاسم‌زاده، ۱۳۸۵، به نقل از آهنگی، ۱۳۸۸).

^۱ - problem solving

^۲ - Unterrainer & Owen

^۳ - Dabson

^۴ Howton & Salkovskis

درمان گروهی حل مسأله، می‌تواند به شکل مشاوره‌های کوتاه مدت یا بلند مدت، گروه‌های درمانی و یا به شکل آموزشی به صورت کارگاه‌ها و گروه‌ها و کلاس‌های روان‌شناسی به کارگرفته شود (کورسینی^۱، ۲۰۰۱، به نقل از محمد زاده، ۱۳۸۸).

هم‌چنین از بسیاری جهات، آموزش حل مسأله را می‌توان به مثاله فرایند کمک به فرد، برای رشد آمادگی یادگیری او و در نتیجه فرایند احتمال مقابله مؤثر وی در طیف وسیعی از موقعیت‌ها تعریف کرد (گلدفرید و دیویسون^۲، ترجمه ماهر، ۱۳۸۸، به نقل از ایزدی و سپاسی، ۱۳۸۹).

در فرایند حل مسأله فرد تلاش می‌کند یک راه حل مؤثر برای یک مشکل ویژه پیدا کند. افراد با استفاده از تکنیک‌های حل مسأله مؤثرترین راه حل را برای یک وضعیت ویژه پیدا می‌کند (وایت^۳، ۲۰۰۳، به نقل از آهنگی، ۱۳۸۸).

از طرفی عزت نفس^۴ بر اساس ترکیبی از مسائل و موضوعاتی که در زندگی برای ما اهمیت دارند، ساخته شده است. اصولاً اگر فرد زمینه‌هایی را که در آن‌ها فعالیت داشته است با ارزش بداند، عزت نفس کلی او بالا خواهد بود در حالی که اگر فرد آن زمینه‌ها را بی‌ارزش بداند عقاید منفی در مورد خودش خواهد داشت. بعضی افراد برای توانایی‌ها یا ظرفیت‌های خوبی که دارند ارزش قایل نیستند و در مقابل برای آن‌چه که فاقد آن هستند و یا به نسبت کم‌تری از آن برخوردارند، ارزش فراوانی قایل می‌شوند. روشن است که این‌گونه افراد مشکلات بیشتری در ارتباط با عزت نفس کلی، خواهند داشت (بیابانگرد، ۱۳۸۹).

همچنین عزت نفس به عنوان یک دیدگاه سالم مورد بررسی قرار گرفته است. یعنی دیدگاهی که به طور واقع‌گرایانه کمبودها و نقاط ضعف را در بر می‌گیرد ولی نه به آن شدتی که منجر به انتقاد شدید از فرد شود. شخصی که از عزت نفس برخوردار است خودش را به گونه‌ای مثبت ارزش‌یابی کرده و برخورد مناسبی نسبت به نظریات مثبت خود و دیگران دارد. در مقابل کسی که به عزت نفس پایین مبتلا است اغلب نوعی نگرش تصنعی نسبت به دنیا دارد ولی در ناامیدی تلاش می‌کند تا به دیگران و خودش نشان دهد که شخص لایقی است و یا ممکن است به درون خویش انزوا گزیند و از ارتباط با دیگران اجتناب نماید. شخص مبتلا

¹ - Corsini

² - Goldfried & Davison

³ - White

⁴ - Selef-esteem

به عزت نفس پایین اساساً فردی است که احساس غرور کمی در خودش ادراک کرده است (کوازوس و دلوکیا^۱، ۲۰۰۹).

بعضی افراد برای توانایی‌ها یا ظرفیت‌های خوبی که دارند ارزش قایل نیستند در مقابل برای آن چه که فاقد آن هستند و یا به نسبت کمتری از آن برخوردارند، ارزش فراوانی قایل می‌شوند. روشن است که این‌گونه افراد مشکلات بیشتری در ارتباط با عزت نفس کلی، خواهند داشت (بیابانگرد، ۱۳۸۹).

با توجه به این مطالب، نیاز بر آن دیده شد تا به بررسی تاثیر آموزش راهبردهای حل مسأله^۲ بر کاهش بحران هویت و افزایش عزت نفس پرداخته شود.

بیان مسأله:

دوران نوجوانی دورانی پر خطر است و نوجوانان از گروههای آسیب پذیر جامعه هستند. در این دوران نیز احتیاج به محبت، حمایت، راهنمایی و مشاوره با والدین دارند. بنا به گفته پیاژه^۳ در طول مرحله اعمال ملموس و غیر انتزاعی اندیشه فرد کاملاً وابسته به اینجا و هم اکنون است، اما با رشد اعمال صوری اندیشه به آینده دور به قلمرو کاملاً تصویری و فرضیه ای پرواز می کند، متعاقباً جوان نیز خود را با امکانات نامحدود درباره اینکه چه کسی است و چه کسی خواهد شد سرگرم می کند (سی کرین^۴، ترجمه فدایی، ۱۳۸۸).

مفهوم خود در دوران بلوغ تغییر می کند. فرد که در دوره کودکی از خود جسمانی اش راضی بود اینک دچار تغییراتی است که ممکن است او را ناراضی کند ولی اکنون آرزوی تصویر بهتر و زیباتری از جسم و صورت خویش را دارد. وضعیت اجتماعی که در دوره کودکی مورد پذیرش فرد است، اینک بخش دیگری از هویت نوجوان و تصویر او را از خود دچار دگرگونی می سازد، موقعیت اجتماعی خانواده، وضعیت فرد و حالات پذیرش و عدم پذیرش از سوی هم سالان و دوستان تصویر خود مثبت یا منفی را برای جوان به بار می آورد (پدرام نیا، ۱۳۸۸).

¹ - Cavazos & Delucia

² - Prolem solving strategies

³ - Piaget

⁴ - C.Crane

رقابت در تحصیل، فشار کار و شغل و سایر مشکلاتی که فرصت کاوش و جستجو در خویش را از سلب می کند، عدم وجود الگوها و راهنماییانی که خود به هویت و شخصیت شکوفا و باروری رسیده باشند و بالاخره شرایط جدید جامعه صنعتی و کشمکش الگوهای متفاوت زندگی، تعارض ارزشها، عقاید و سبکهای مختلف اخلاقی و رفتاری، نوجوان را در انتخاب الگوی مورد نظر خویش و ترکیب صحیح آنها دچار اشکال کرده و شکل گیری هویت را سخت و دشوار ساخته است (اتکینسون، اسمت بم و هرکسما^۱، ترجمه براهنی، بیرشک، زمانی، شهرآرای، کریمی و محی‌الدین، ۱۳۸۹).

نوجوان قبل از هر چیز در جستجوی هویت خویش هستند، این جستجوی هویت در دوران نوجوانی پی ریزی می شود. نوجوان از خود می پرسد «آیا من یک کودک یا یک بزرگسالم؟» و والدین نیز چندان نمی توانند در این زمینه به او کمک کنند چرا که او الگوهای خود را درجائی دیگر جستجو می کند. حتی ممکن است که علیه اقتدار و ارزشهای خانوادگی شورش کند که البته این سرپیچی به نفع فرآیند خود پیروی و جستجوی فردیت است (منصور، ۱۳۸۸).

برای درک پدیده بازسازی مفهوم خود اریکسون به اصلاح «بحران ناشی از تحول، یعنی دوره ای که در جریان آن باید فرد در یکی از راههای ممکن گام بردارد» اشاره می کند (منصور و دادستان، ۱۳۸۸).

اریکسون هویت را چیزی بیش از همه تجارب تشکیل دهنده آن می داند. هویت همچنین سرمایه درونی است که از تجارب حل موفقیت آمیز بحران و همانند سازیهای دوران قبل بدست آمده است. هویت وحدتی است که بین سه سیستم زیستی - اجتماعی و روانی بوجود می آید و بدان وسیله نوجوان می داند کیست، چه می خواهد، به چه جامعه و فرهنگی تعلق دارد، برگزیده و آینده اش آگاه است و اهداف آینده اش را به خوبی می شناسد. درک هویت «خود» مستلزم تعاملی روانی - اجتماعی است. به عبارت دیگر نوجوان باید در بین آن تصویری که از خودش دارد و آن تصویری که از استنباط و انتظار دیگران از خودش دارد هماهنگی ایجاد کند (لرد و براون^۲، ۲۰۰۴).

¹ - Atkinson, Atkinson, Smith, Bem & Hoeksema

² - Lord & Brown

بحران هویت که اریکسون (۱۹۹۹) حل آنرا نشانهٔ پیروزی و رسیدن به تعامل خود در دورهٔ نوجوانی می‌داند، بحران هویت خودیابی و تشکیل شخصیت است. شخصیت فرد جنبه‌های متفاوتی از خود را شامل می‌شود. هویت نیز ترکیبات متفاوتی دارد که جمعاً هویت شخصی^۱ را تشکیل می‌دهد.

هویت جنسی^۲ عقاید و رفتارها فرد نسبت به جنسیت خود، هویت اجتماعی^۳ شمای ارتباطی فرد با دیگران، هویت شغلی^۴ مقام و موقعیت کاری و حرفه‌ای فرد در جامعه، هویت سیاسی^۵ عقاید، نگرشها و بازخوردهای فرد در مقابل جریان‌های سیاسی، گروهها و احزاب و شکل ارتباطی او با این جریان و هویت مذهبی^۶ عقاید افکار و رفتارهای فرد در برخورد با مذهب را شامل می‌شود (به نقل از جکسون^۷، ۱۹۸۱).

شکل‌گیری هویت همسفر بلوغ می‌باشد. تا قبل از بلوغ، شخصیت فرد وحدت و هماهنگی ندارد و با گذر از این مرحله است که وحدت، هماهنگی درونی، نوجوانی فرصت خوب و مناسبی برای کمال شخصیت است و از دست رفتن این فرصت، نقش و ضعف هویت و خویش‌شن فرد را در پی دارد (کیلستروم، بیر و کلین^۸، ۲۰۰۳).

همچنین در دوران نوجوانی، به سبب تغییرات و تحولات شدید جسمی، روانی و اخلاقی نوجوان و نیز به سبب حساسیت فوق‌العاده این دوره و تأثیر عوامل مختلف بر روند رشد و تحول نوجوان مسئلهٔ پذیرش حمایت، راهنمایی و مساعدت به نوجوان در کسب هویتی مستقل و با ارزش از اهمیت فراوانی برخوردار است. نوجوانان در این دوره نیازمند دریافت رهنمودهایی اساسی جهت نیل به عزت نفس^۹ بالا، نیل، پیشرفت، موفقیت، سعادت و سلامت هستند (کوشا، ۱۳۸۸).

1 - personal identity

2 - gender identity

3 - social identity

4 - occupational (job) identity

5 - political identity

6 - religious identity

7 - Jackson

8 - Kihlstrom , Beer & Klein

9 - Self esteem